

نقش مردم در تشکیل، اداره و حفظ حکومت اسلامی

عنوان پژوهش

۲. وظیفه مردم در مقام ایجاد حکومت اسلامی

شماره مسلسل: ۱۳۹۲۰۰۲۲

تاریخ: ۱۳۹۲/۶/۲

الحمد لله رب العالمين



شناسنامه

عنوان:

نقش مردم در تشکیل، اداره و حفظ حکومت اسلامی

۲. وظیفه مردم در مقام تشکیل حکومت اسلامی

تهیه و تدوین:

علی فتاحی زفرقندی

ناظر علمی:

علی بهادری جهرمی

دفتر مطالعات نظام‌سازی اسلامی

شماره مسلسل: ۱۳۹۲۰۰۲۲

تاریخ انتشار: ۱۳۹۲/۰۶/۰۲

مرکز تحقیقات شورای نگهبان

فهرست مطالب

۳.....	چکیده.....
۴.....	مقدمه.....
۵.....	۱. تشکیل حکومت اسلامی واجبی شرعی.....
۵.....	۱-۱. ضرورت تشکیل حکومت.....
۶.....	۱-۲. ضرورت تشکیل حکومت اسلامی.....
۶.....	۱-۲-۱. اهداف عالیه اسلام.....
۶.....	۱-۲-۲. سیره نبوی در تشکیل حکومت اسلامی.....
۷.....	۱-۲-۳. جامعیت احکام اسلامی و ماهیت اجتماعی حکام.....
۹.....	۱-۲-۴. نیازمندی قانون به وجود مجری.....
۹.....	۱-۲-۵. حرمت مراجعه به طاغوت.....
۱۰.....	۱-۲-۶. سیادت اسلام و ضرورت نفی سلطه حکومت‌های غیر اسلامی بر مسلمانان.....
۱۰.....	۱-۲-۷. وحدت و همبستگی امت اسلامی.....
۱۰.....	۱-۲-۸. دلیل تهذیب نفس.....
۱۲.....	۲. احکام اسلام برای همه دوران‌ها و همه افراد.....
۱۴.....	۳. تکلیف مردم در برابر حکم و جوب تشکیل حکومت اسلامی.....
۱۷.....	نتیجه‌گیری.....
۱۸.....	یادداشت‌ها.....
۲۲.....	منابع و مأخذ.....

چکیده

تشکیل حکومت اسلامی جهت تحقق احکام اجتماعی دین اسلام یکی از اوامر خداوند متعال در برای سعادت و کمال بشر بوده است. از آنجایی که تشکیل حکومت اسلامی نیازمند حضور و پذیرش مردم خواهد بود، بر همین مبنا بررسی وظایف و تکالیف مردم در قبال تشکیل حکومت اسلامی ضروری به نظر می‌رسد. این مقاله ابتدا به موضوع لزوم تشکیل حکومت اسلامی در همه دوره‌ها بر اساس حکم وجوب اجرای احکام اجتماعی اسلام می‌پردازد. در مرحله بعد وظیفه مردم در تشکیل حکومت اسلامی بر مبنای احکام تکلیفی بررسی می‌گردد. به نظر می‌رسد فراهم نمودن شرایط و کسب مقدمات لازم برای تشکیل حکومت بر همه آحاد امت اسلامی واجب است و در صورت بر زمین ماندن امر شارع همه امت در برابر خداوند متعال مسئولند.

کلیدواژه‌ها: حکومت اسلامی، مقدمه واجب، وظیفه مردم، اشتراک در تکلیف

مقدمه

تشکیل حکومت اسلامی نیازمند تجميع دو ركن مشروعيت از ناحیه خداوند متعال و پذیرش مردمی است و بدون پذیرش مردم تشکیل حکومت اسلامی غیر ممکن خواهد بود. مستندات و استدلال‌های گزاره فوق بر اساس آراء فقها و موازین شرعی مورد بررسی قرار گرفت و سپس سیره عملی ائمه معصومین در تشکیل حکومت و نحوه نقش آفرینی مردم در این امر مورد بررسی گردید. اما به نظر می‌رسد اثبات نقش اساسی و بنیادین مردم در تشکیل حکومت اسلامی به تنهایی راهگشا نیست چرا که هیچ حکومتی با تاکید صرف بر مجموعه‌ای از اصول و قواعد شکل نمی‌گیرد و از آن جا که تشکیل حکومت دینی بر اساس اکراه و غلبه قهری در شریعت مقدس ناپسند شمرده شده این دستور الهی نیازمند به عزم جدی و راسخ مردم در تحقق نظامی اسلامی است.

بر این مبنا بررسی این که مردم در راستای تشکیل حکومت اسلامی چه وظیفه‌ای بر عهده دارند موضوع ضروری به نظر می‌رسد. آیا حکم وجوب تشکیل حکومت اسلامی تنها متوجه فقیه جامع‌الشرایط است و یا امت نیز در قبال این حکم مسئولیتی بر دوش دارند؟ به عبارت دیگر حکم تکلیفی تشکیل حکومت اسلامی چیست و این حکم تکلیفی چه وظایفی را بر امت بار می‌نماید؟ در صورت اثبات حکم وجوب تشکیل حکومت اسلامی آیا مردم باید منتظر بمانند تا شرایط آماده گردد و فقط پذیرش خود را نسبت به این امر اعلام نمایند یا خود باید زمینه‌ساز و فراهم کننده شرایط باشند؟ آیا هموار نمودن مسیر تشکیل حکومت از واجبات عینی است یا واجب کفایی؟ اگر وظیفه‌ای شرعی بر ذمه مردم قرار دارد؛ این وظیفه از چه باب فقهی اثبات می‌گردد؟ در صورتی که مردم از این خواسته شارع روی برگردانند؛ چه عواقبی پی دارد؟

در همین راستا و در جهت پاسخگویی به سؤالاتی از این دست؛ این مقاله ابتدا به بیان ادله ضرورت تشکیل حکومت اسلامی در همه دوران‌ها و حکم شارع مقدس در این زمینه با توجه به وظایف مردم در تشکیل حکومت می‌پردازد و بخش دوم به بررسی وظایف مردم ناشی از حکم شرعی وجوب تشکیل حکومت اختصاص می‌یابد.

۱. تشکیل حکومت اسلامی واجبی شرعی

در خصوص وجوب تشکیل حکومت اسلامی باید توجه داشت که تشکیل حکومت یکی از ملزومات زندگی بشری است و این اصل همواره و در همه اعصار جاری است. از سوی دیگر دین مبین اسلام به عنوان آخرین دین الهی شامل دستوراتی جامع و کامل می‌باشد که هیچ یک از ابعاد مؤثر در سعادت انسان را فروگذار نکرده است. از این رو بررسی احکام اجتماعی شارع مقدس و نیازمندی آنها به مجری خود دلیلی بر توجه شارع مقدس به تشکیل حکومت اسلامی خواهد بود و دیگر آن که این احکام متعلق به همه دوران‌ها و همه انسانها است فلذا حکومت اسلامی هیچ‌گاه تعطیل‌بردار نخواهد بود. توضیح و بیان استدلال گزاره‌های فوق در نکات ذیل بررسی می‌گردد. پیش از پاسخ گویی به این سؤالات لازم به ذکر است که بنای این مقاله بر استدلالات مربوط به تشکیل حکومت مبتنی بر دستورات اجتماعی شارع مقدس بنا گردیده و در این زمینه دلایل دیگر عقلی و روایی بیان شده است که تحلیل آنها در محور اصلی این متن نمی‌گنجد.^(۱)

۱-۱. ضرورت تشکیل حکومت

تشکیل حکومت همواره یکی از ضروریات زندگی بشری می‌باشد و در همه اعصار هیچ دوره‌ای حتی در عصر حجر، حیات انسانی از نظم اجتماعی شبیه به مفهوم دولت خالی نبوده است (منتظری، ۱۴۰۹: ۱۰۱). چرا که انسان موجودی اجتماعی است و زندگی اجتماعی لازمه حیات اوست و زندگی فردی و دور از جوامع انسانی شاید در موارد معدودی امکان‌پذیر بوده اما با زندگی مسئولانه انسان همسانی ندارد (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۲۴). این امر از آنرو است که طبع انسان با زندگی اجتماعی به هم آمیخته و زندگی اجتماعی در سایه تعاون و اجتماع و مبادلات سامان می‌یابد. در این سیر منافع انسان‌ها که بر مبنای امیال و غرایز و شهوات شکل گرفته است با یکدیگر تعارض پیدا می‌کند و این تعارض نیازمند دستگاهی جهت تحقق نظم اجتماعی است (منتظری، ۱۴۰۹: ۲۹۰). لذا یکی از حیاتی‌ترین لوازم زندگی بشری دستگاهی جهت تکفل نظم اجتماعی می‌باشد تا از هرج و مرج و اختلال در نظام زندگی اجتماعی جلوگیری نماید. در نتیجه تشکیل حکومت برای مقابله با هرج و مرج و حفظ نظم اجتماعی ضروری است^(۲) (ارسطو، ۱۳۸۱: ۲۶؛ ابن خلدون، ۱۳۸۸: ۴۱).

لازم به ذکر است در طول تاریخ افرادی مانند «اصم معتزلی» ضرورت تشکیل حکومت را منکر شده‌اند و معتقدند «در صورتی که مردم، با انصاف رفتار کنند و به یکدیگر ستم روا ندارند، نیازی به حکومت نیست» (عبد الرزاق، ۱۳۸۲: ۱۹۴) که به نظر این طریقه تفکر، کامل نبوده چرا که اگر فرض نماییم که روزی جامعه انسانی به مرحله‌ای از رشد خواهد رسید که انصاف و ایثار در همه روابط بر زندگی بشر حاکم گردد و همه رذایل از زندگی انسان رخت بربندد؛ همچنان به نظامی جهت سر و سامان بخشیدن به امور اجتماعی نیاز خواهد بود (منتظری، ۱۴۰۹: ۲۸۶).

۲-۱. ضرورت تشکیل حکومت اسلامی

علاوه بر آن که تشکیل حکومت به عنوان ضرورت عقلی از نیازهای دائمی بشر می‌باشد، مجموعه احکام و دستورات الهی و دلایل شرعی نشانگر لزوم تاسیس نظام سیاسی مبتنی بر احکام اسلام است. به عبارت دیگر تشکیل حکومت اسلامی یکی از اوامر خداوند متعال در جهت سعادت بشر می‌باشد. در جهت اثبات این مدعا می‌توان به دلایل عقلی و عقلی - نقلی گوناگونی اشاره نمود که به بیان آنها خواهیم پرداخت پردازیم:

۱-۲-۱. اهداف عالیه اسلام

خداوند متعال از ارسال رسل و انزال کتب اهداف خاصی را دنبال نموده و عبث بودن این امور با حکمت خداوند در تعارض است. به برخی از این اهداف مانند اقامه قسط و عدل،^(۳) رها نمودن انسان از اسارت‌ها،^(۴) آزادی مردم از بند استکبار و طاغوت،^(۵) رساندن مستضعفان به حاکمیت،^(۶) هدایت انسانها به سوی خدا، اجرای فرامین و حدود^(۷) در قرآن کریم تصریح گردیده است. بی شک تحقق این اهداف در عرصه اجتماعی نیازمند سازوکارهای اجرایی است. تأملی کوتاه بر اهداف عالیه شریعت مقدس اسلام ملازمه عقلی وجود حکومت و تحقق اهداف را نتیجه می‌دهد (عمیدزنجانی، ۱۴۲۱، ج ۲: ۱۵۷).

۲-۲-۱. سیره نبوی در تشکیل حکومت اسلامی

یکی از دلایل ضروری بودن تشکیل حکومت در اسلام تمسک به سیره عملی پیامبر اعظم می‌باشد چرا که حضرت ایشان پس از هجرت به مدینه اقدام به تشکیل

حکومت اسلامی نمود و خود در رأس حکومت به اداره امور مسلمین پرداخت. سیره عملی امیرالمؤمنین و امام مجتبی علیهما السلام نیز نشانگر ضرورت تشکیل حکومت بر اساس دستورات دینی است و در هر دوره‌ای که امکان تشکیل حکومت برای ائمه معصومین فراهم بوده است مبادرت به این امر نموده‌اند (حیدری، ۱۴۲۴: ۲۵). بنابراین و به ضرورت عقل و شرع از آنجا که تشکیل حکومت در دوره نبوی و علوی ضروری تلقی شده است این امر برای ما نیز لازم‌الاجراست (خمینی، ۱۴۲۳: ۲۶).

۳-۲-۱. جامعیت احکام اسلامی و ماهیت اجتماعی حکام

آخرین دین الهی نه تنها محدود به تعدادی آداب و دستور عبادی فردی نیست بلکه سیری در آیات، روایات و اقوال فقها نشان می‌دهد که سرتاسر اوامر و نواهی شارع مقدس با دستورات اجتماعی آمیخته است و دین مطلوب الهی همه شئون زندگی فردی و اجتماعی انسان از ولادت تا مرگ را دربرمی‌گیرد (منتظری، ۱۴۰۹: ۲۸۰) و احکام شرعی خداوند به تکوین یک نظام منسجم اجتماعی منتهی می‌گردد. مجموعه دستورات اجتماعی اسلام در نحوه معاشرت با خانواده، عشیره و قبیله، همسایه، آداب و احکام نکاح، احکام مربوط به دوره جنگ و صلح و روابط ملل، ... خود مؤید این کلام است (خمینی، ۱۴۳۲: ۳۰). به همین دلیل آیات و روایات با تاکید بر این موضوع؛ اسلام را دارای همه وجوه لازمه برای هدایت بشر می‌دانند و تصریح می‌نمایند که خداوند متعال از هیچ نکته‌ای در این زمینه فروگذار نکرده^(۸) و تکلیف انسان را در تمامی مراحل زندگی مشخص نموده است^(۹) (عمید زنجانی، ۱۴۲۱: ۱۵۵). برای نمونه آیات قرآن کریم با تصریح به برخی از احکام اجتماعی اسلام مانند محاربه و افساد فی الارض،^(۱۰) حد مجازات جرم سرقت،^(۱۱) حد مجازات گناه زنا،^(۱۲) ایجاد صلح و آشتی میان گروه‌های مسلمان در حال جنگ و معارضه^(۱۳) و آیاتی از این دست مطلوبیت تحقق این امور را از جانب خداوند متعال در میان امت اسلامی بیان می‌دارد (منتظری، ۱۴۰۹، ج ۱: ۲۸۱). در کنار آیات، در طول تاریخ آثار فقهای شیعه نیز نمایش‌گر احکامی است که با استناد به منابع فقهی کتاب، سنت، اجماع و عقل به استنباط آنها پرداخته‌اند که حیطة اجرای آن احکام را اجتماع مسلمانان می‌دانند و زندگی فرد مسلمان به تنهایی قابلیت اجرای آنها را ندارد. برای نمونه احکام اقامه نماز جماعت،

نماز جمعه و نماز عیدین (شیخ مفید، ۱۴۱۰: ۱۱۸؛ ابن ادریس، بی تا: ۲۶)، اقامه حدود و تعزیرات و اجرای مقررات جزایی اسلام (مفید، ۱۴۱۰: ۸۱۰)، مجموعه احکام مالی شریعت (منتظری، ۱۴۰۹: ۲۰۴)، دفاع از کیان مسلمین و نفی هرگونه سلطه بیگانگان بر امت اسلامی (خمینی، ۱۴۲۳: ۳۳) نشانگر وجود مطالبات اجتماعی خداوند متعال از امت اسلامی می باشد. با اندکی دقت در گستره وسیع احکام اجتماعی اسلام در می یابیم که یافتن این احکام از هیچ طریقی غیر از تشکیل حکومت اسلامی محقق نمی گردد (خمینی، ۱۴۲۶: ۳۰). اقامه حدود و تعزیرات به طور کلی احکام جزایی اسلام، محقق نمودن مطالبات مالی و تجاری شارع مقدس، دفاع از کیان اسلام و مسلمین، انجام امور مربوط به وصیت بی وارث، امر به معروف و نهی از منکر و... همه نیازمند نهادهایی اجتماعی برای پیاده نمودن خواسته های باری تعالی است. هرچند این نهادها در طیف های متفاوتی از اداره امور اجتماعی قرار می گیرند اما وجه مشترک همه آنها نیازمندی به ارکان اجتماعی برای پیشبرد احکام الهی است. برای نمونه شاید اقامه نماز جمعه با اجماع کوچکی از مسلمانان و تحت امامت امام عادل شکل بگیرد و نیازمند ساختار اداری و اجرایی گسترده ای نباشد. این در حالی است که احکامی مانند قضاء و تجارت نیازمند ساختارهای پیچیده حکومتی است. بسیاری از احکام جزایی اسلام مانند دریافت دیه و پرداخت آن به ذی حق، اقامه حدود و قصاص بدون تشکیل حکومت اسلامی محقق نمی گردد (خمینی، ۱۴۲۶: ۳۴) شاید به همین دلیل قضاوت در جوامع امروزی امری حکومتی تلقی می گردد و برای رفع اختلافات و حل فصل خصومت ها در جامعه، به نهادی قضایی نیاز است که از سوی همگان به رسمیت شناخته شود چراکه امر قضاوت و اجرای احکام مربوط به آن جز از عهده حاکمیت بر نمی آید. (ورعی، ۱۳۸۱: ۳۶۳) احکام نفی سلطه و حفظ استقلال و احکام دفاعی اسلام نیز نمایانگر برنامه ریزی خداوند برای تحقق نظام اجتماعی مبتنی بر قواعد دینی است (ولایت فقیه، امام: ۳۳). احکام مالی اسلامی نیز نشانگر وجود تدبیری برای تأمین منابع مالی و رفع احتیاجات یک کشور است و تنها محدود به فقرا و در راه ماندگان نیست (خمینی، ۱۴۲۶: ۳۳-۳۱) علاوه بر این لزوم وجود مرجعی مقتدر برای نظارت بر شرعی بودن معاملات و جلوگیری از معاملات ربوی در جامعه اسلامی ضروری است.

۴-۲-۱. نیازمندی قانون به وجود مجری

پس از آن که روشن گردید شریعت اسلام دارای احکام و قوانینی است که نیازمند تشکیل حکومت می‌باشد می‌توان نتیجه‌گیری نمود که تشکیل حکومت نیز از نظر شرعی دارای مطلوبیت است چرا که بیان قوانین بدون در نظر گرفتن مجری برای آن امری بی‌فایده به نظر می‌رسد (حیدری، ۱۴۲۴: ۲۶)؛ به عبارت دیگر هنگامی که خداوند اقدام به قانونگذاری و بیان الزامات شرعی می‌نماید بی‌تردید به منظور تحقق عملی قوانین را وضع کرده و این امر نشانگر لزوم و مطلوبیت تحقق یافتن این اوامر خواهد بود. همچنین قانونگذاری در عرصه اجتماعی لزوم وجود مجری را نیز در پی دارد چراکه قانونگذاری هرچند کامل و دقیق برای سعادت امت کافی نیست و برای اصلاح، جامعه انسانی نیازمند قوه اجرایی نیز می‌باشد. در همین راستا شارع در کنار قانونگذاری برای بشر اجرایی نمودن احکام را به حاکمان منصوب خویش سپرده است (خمينی، ۱۴۲۶: ۲۶). در نتیجه دین اسلام منحصر در قوه مقننه که تنها بیانگر احکام الهی باشد نیست بلکه اساس احکام اسلامی مبتنی بر تشکیل حکومت صالحی است که از قدرت اجرای احکام شریعت برخوردار است. بدین ترتیب قانون و حکومت در اسلام به یکدیگر چنان آمیخته شده‌اند که تعطیلی نظام اسلامی موجب تعطیلی بسیاری از احکام اسلامی خواهد بود که این امر هرگز مطلوب خداوند تعالی نیست (منتظری، ۱۴۰۹: ۲۸۰).

۵-۲-۱. حرمت مراجعه به طاغوت

از منظر دیگر اثبات گردید که عقلا انسان برای ادامه حیات نیازمند به حکومت است و امکان تعطیلی برخی از شئون حکومت در زندگی اجتماعی وجود ندارد برای نمونه در همه جوامع در طول تاریخ به علل گوناگون تعارض و خصومت‌هایی شکل می‌گرفته که وجود مرجعی برای حل و فصل آن را اقتضا می‌نموده (ورعی، ۱۳۸۱: ۳۶۳) و تصور جامعه‌ای بدون مرجع قضایی سخت به نظر می‌رسد. از سوی دیگر شارع مقدس حکم به حرمت رجوع به طاغوت نموده است که این امر نیز تشکیل حکومتی برای برپایی احکام اجتماعی شریعت را اقتضاء می‌کند.^(۱۴) به عبارت دیگر از آن جا که هر نظام سیاسی غیر اسلامی نظامی شرک آلود و حکومتی طاغوتی است و مردم از مراجعه به حکومت‌های این چنینی منع و علاوه بر این به محو آثار شرک و کفر موظف گردیده‌اند؛ ایجاد محیط اجتماعی منطبق با دستورات الهی در راستای تحقق اهداف حکومت اسلامی ضروری است (کعبی، ۱۳۹۲: ۵).

۱-۲-۶. سیادت اسلام و ضرورت نفی سلطه حکومت‌های غیر اسلامی بر مسلمانان

فقه‌های شیعه با درنظر گرفتن اصول حاکم بر روابط میان مسلمانان و سایر ادیان هرگونه سلطه‌پذیری آنان را نفی می‌نمایند. در فتاوی فقهای شیعه ملاحظه می‌گردد که در موارد گوناگونی با استناد به آیه ۱۴۱ سوره مبارکه نساء که می‌فرماید «و خداوند هرگز بر [زیان] مؤمنان، برای کافران راه [تسلطی] قرار نداده است»^(۱۵) حفظ عزت و شرف مسلمان را مورد توجه قرار داده‌اند و بر این مبنا حکم صادر نموده‌اند؛ برای مثال حکم حرمت خرید و فروش برده مسلمان به دست کفار،^(۱۶) عدم پذیرش قسامه ولی دم کافر در برابر مدعی علیه مسلمان،^(۱۷) فسخ نکاح زن مسلمان شده با مرد کافر^(۱۸) و... از این قبیل است (جرجانی سیدامیرالافتوح، ۱۴۰۴: ۱۵۰).^(۱۹) شاید برخی گمان نمایند که فتاوی ذکر شده تنها مختص به امور فردی زندگی مسلمانان است اما واضح است که در صورتی که شارع مقدس حاضر به سلطه کفار بر زندگی فردی مسلمان نبوده به طریق اولی این قاعده در زندگی اجتماعی جاری است. بنابر این بر اساس مفهوم آیه، کافران نه تنها از نظر منطق بلکه از نظر نظامی و سیاسی و فرهنگی و اقتصادی و خلاصه از هیچ نظر بر افراد با ایمان، چیره نخواهند شد (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ۱۷۵). به عبارت دیگر بر اساس مفهوم آیه فوق و قاعده نفی سبیل خداوند متعال هرگونه تسلط کفار بر مسلمانان را در هر زمینه‌ای از جمله سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی، جایز نمی‌شمارد (رحمانی، ۱۳۸۲: ۲۸-۲).

۱-۲-۷. وحدت و همبستگی امت اسلامی

وحدت اسلامی بر پایه برادری به عنوان ضرورتی غیر قابل انکار مورد تاکید دستورات دین مبین اسلام قرار گرفته است. تحقق بخشیدن به این آرمان الهی نیازمند تشکیل حکومت و سازوکار اجرایی است تا به این وسیله از طریق برنامه‌ریزی در راه تأمین و تضمین وحدت مسلمان و حفظ تمامیت ارضی آنان اقدام گردد (عمیدزنجانی، ۱۴۲۱: ۱۵۹).

۱-۲-۸. دلیل تهذیب نفسی

همان گونه که پیشتر نیز اشاره گردید از یک سو انسان موجودی اجتماعی است و فرد و جامعه بر یکدیگر آثار متقابلی دارند. از طرف دیگر هدف انبیاء الهی که همان راه سعادت انسان است در گرو تزکیه و تهذیب نفس می‌باشد. در یک جامعه نوع سیاست‌گذاری‌های حکومت و اجرای آنها آثار فراوانی بر زندگی شخصی افراد دارد.

در صورتی که برنامه‌های حکومت در راستای تحقق اوامر شارع و تسهیل کننده جریان تزکیه و تهذیب نفس نباشد، هدف بعثت انبیا با شکست مواجه می‌گردد و ارسال رسل و انزال کتب عبث می‌گردد و از آن جا که خداوند حکیم به چنین وضعی راضی نیست تحقق بسترهای اجتماعی تهذیب نفس که نیازمند حکومتی صالح است را به بهترین بندگان خود یعنی انبیاء و ائمه معصومین سپرده است (کعبی، ۱۳۹۲: ۳۴۰).

بنابراین مجموعه دلایل فوق به عنوان دلایل عقلی و عقلی - نقلی مورد استناد فقها نشانگر لزوم تشکیل حکومت اسلامی بر مبنای احکام شریعت مقدس اسلام است. به عبارت دیگر استدلال‌های ارائه شده نشان می‌دهد که تشکیل حکومت اسلامی ریشه در اوامر خداوند متعال دارد و تشکیل حکومت اسلامی از ضروریات شرعی به حساب می‌آید.

۲. احکام اسلام برای همه دوران‌ها و همه افراد

شاید برخی با تصور این مطلب که ضرورت تشکیل حکومت و اجرای احکام شریعت در عرصه اجتماع تنها محدود به دوران حضور امام معصوم می‌باشد و در عصر غیبت وظیفه‌ای از جهت تحقق احکام اجتماعی بر عهده امت اسلامی نیست به بررسی حکم تکلیفی تشکیل حکومت می‌پردازند. اما در مقابل باید به این سؤالات پاسخ گفت که آیا ضرورت تشکیل حکومت که بر اساس ادله عقلی و نقلی حکمی مسلم است و اجرای احکام شرعی اجتماعی برای دوره محدود حضور ائمه معصومین واجب گردیده و خداوند حکیم که از مدت دوره غیبت امام عصر (عجل الله تعالی فرجه) آگاه است احکامی را که سعادت بشر در زندگی اخروی منوط به تحقق آن می‌باشد را فقط برای عصر ۲۵۰ ساله حکومت امامان معصوم وضع کرده است؟ آیا این امر با حکمت خداوند متعال از یک طرف و با مسأله اتمام حجت خالق بر مخلوق از طرف دیگر مغایر نیست؟^(۲۰)

برای پاسخ گویی به سؤالات فوق لازم است ابتدا به بیان قاعده اشتراک در تکلیف بپردازیم و مبتنی بر آن پاسخ‌هایی را بیان نماییم: قاعده اشتراک در تکلیف که یکی از قواعد مسلم میان فرقه‌های مختلف اسلامی است که با استناد به ادله عقلی و نقلی مختلف بیان می‌دارد: هر وظیفه‌ای که در زمان رسول خدا برای امت وضع گردیده و هر حکمی که خداوند حکیم بیان نموده برای گروهی که در ذیل عنوان و موضوع حکم قرار می‌گیرند بدون هیچ تفاوتی جاری است (عمید زنجانی، ۱۳۹۱) به عبارت دیگر هرگاه حکمی برای یکی یا دسته‌ای از مکلفین اثبات گردد و دلیلی برای خروج سایر افراد از شمول حکم موجود نباشد و یا دلیلی مبنی بر انحصار حکم بر دوره حضور امام معصوم وجود نداشته باشد؛ آن حکم تا روز قیامت برای همه مکلفین مشترک بوده و همه موظف به انجام آن می‌باشند (جمعی از مولفین؛ ج ۳۷، [بی تا]: ۱۱۶)؛ تعریف قاعده اشتراک در تکلیف در یک جمله عبارت است از «اگر حکمی در اسلام برای عده‌ای ثابت شد، آن حکم شامل همه مسلمانان شده و در آن شریک هستند. حتی آنان که در زمان صدور حکم، وجود نداشته‌اند»^(۲۱) (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۳: ۳۰۶).

بنابراین به دلالت قاعده اشتراک در تکلیف همه مسلمانان اعم از مرد و زن، فقیر و توانا، عالم و جاهل، باسواد و بیسواد و... در همه دوران‌ها مکلف به دین الهی هستند و

تنها برخی قواعد که به دلالت خاص از شمول قاعده خارج گردیده استثنا می‌شود. در نتیجه با استناد به این قاعده و از آن جا که حکمی جهت تعطیلی احکام اجتماعی اسلام در دوره غیبت امام معصوم موجود نیست بلکه دلایل ضرورت تشکیل حکومت اسلامی و سایر ادله شرعی خبر از وجوب تشکیل حکومت در همه دوران‌ها می‌دهند فلذا تشکیل حکومت اسلامی در همه اعصار و بر همه افراد واجب است. و از آن جا که مجموعه احکام شریعت اسلامی اعم از احکام جزایی، مالی و نظامی و... به استناد قاعده اشتراک در تکلیف برای همه امت لازم‌الاجراست و اجرای آن بدون تشکیل حکومت ممکن نیست تشکیل حکومت اسلامی امری ضروری است که تکلیف آن متوجه تمام ارکان جامعه اعم از امام و امت یا تک تک آحاد مسلمین خواهد بود (کعبی، ۱۳۹۲: ۳). بنابر دلایل فوق تشکیل حکومت اسلامی در همه اعصار و دوره‌ها بر امت اسلامی واجب است.

۳. تکلیف مردم در برابر حکم و جوب تشکیل حکومت اسلامی

حال باید بررسی نمود که آیا مردم در مقام مهیا نمودن شرایط برای تشکیل حکومت اسلامی و ایجاد نظامی با مختصات مطلوب دین اسلام وظیفه‌ای برعهده دارند یا آنها باید در انتظار باشند تا فقیه جامع‌الشرایط بستر تشکیل حکومت را فراهم نماید و آنها فقط پذیرش خود رانست به این امر بیان می‌دارند. به عبارت دیگر تکلیف مقدمه‌سازی در راستای تشکیل حکومت اسلامی در کدام یک از احکام پنجگانه (وجوب، حرمت، کراهت، استحباب و اباحه) قرار می‌گیرد؟

تا اینجا روشن گردید که خداوند متعال احکامی را وضع نموده و تحقق آن را موجب سعادت دنیوی و اخروی انسانها و امری ضروری دانسته است. برخی از این احکام مانند نماز و روزه جنبه فردی و برخی مانند حدود و قصاص و دیات و قوانینی مالی جنبه اجتماعی دارد و همان گونه که در استدلال‌های گذشته بیان گردید تشکیل حکومت اسلامی مقدمه‌ای بر اجرای احکام الهی است و احکام اجتماعی بدون تشکیل حکومت محقق نمی‌گردد. به عبارت دیگر تشکیل حکومت اسلامی از باب تحقق احکام اجتماعی اسلام امری ضروری و لازم می‌باشد چرا که این دسته از واجبات شرعی بدون تشکیل حکومت محقق نمی‌گردد. از سوی دیگر عدم تشکیل حکومت اسلامی منجر به استمرار وجود حکومت‌های غیر اسلامی و ظالمانه‌ای خواهد بود که اطاعت از آنها حرام بوده و در نتیجه عدم تشکیل حکومت اسلامی در حقیقت به معنای ایجاد شرایط ارتکاب عمل حرام خواهد بود (خمینی، ۱۴۳۲: ۹۲). علاوه بر این در مباحث قبل از طرق مختلف (اعم از نظریات فقها، موازین دینی و سیره ائمه معصومین) اثبات گردید که عدم مشارکت فعالانه مردم ایجاد و تشکیل حکومت اسلامی را عملاً غیر ممکن می‌سازد و در صورتی که مردم خواهان حکومت اسلامی نباشند حکومتی شکل نخواهد گرفت و حضور مردم و فراهم نمودن شرایط توسط آنها نیز خود مقدمه‌ای بر تشکیل حکومت اسلامی است. از سوی دیگر احکام الهی جهت اجرا به وسیله مردم و در جهت سعادت آنها وضع شده‌اند و هرگز اجازه تعطیلی این احکام در هیچ دوره‌ای صادر نشده است. در نتیجه بر همه مسلمانان در هر دوره‌ای واجب خواهد بود تا مقدمه تحقق احکام اجتماعی اسلام را که تشکیل حکومتی اسلامی می‌باشد، محقق نمایند. ایجاد حکومت اسلامی بر اساس قاعده مقدمه واجب بر عموم

امت اسلامی واجب و ضروری است؛^(۲۲) چرا که وجوب تشکیل حکومت اسلامی از منظر تحقق احکام اجتماعی شارع مقدس وجوب مطلق است و آن چه در اسلام واجب است و از اوامر خداوند متعال می باشد اجرای احکام الهی مانند احکام جزایی، احکام مالی و احکام نظامی است. از طرف دیگر وجوب اجرای احکام فوق مشروط به تشکیل حکومت نیست و خواه در دوره تشکیل حکومت اسلامی و خواه در دوره حکومت طاغوت این احکام واجب می باشد. بنابراین از آن جا که وجوب تحقق احکام الهی منوط به تشکیل حکومت نیست تشکیل حکومت و در پی آن مقدمات تشکیل؛ مقدمه واجب است. در نتیجه چه در صورت تحقق مقدمات و چه در صورت عدم تحقق آنها وجوب احکام الهی مانند قصاص و دیات و... بر عهده مسلمانان مستقر است و اگر مقدمات تشکیل حکومت فراهم گردد آنها بری الذمه می گردند و در غیر این صورت همگی مسئولند و به علت آن که امر شارع مقدس بر زمین مانده است گنه کار محسوب می گردند.

حالا که تشکیل حکومت اسلامی و مقدمات آن مانند حضور مردم و آماده سازی بسترهای اجتماعی برای پذیرش حکومت امام معصوم و فقیه جامع الشرایط مقدمه ای برای اجرای احکام الهی است و اجرای احکام متوقف بر تشکیل حکومت می باشد بر همه مردم شرعا واجب است که مقدمات را فراهم نمایند.^{(۲۳) و (۲۴)} برای نمونه یکی از مقدمات اولیه تشکیل هر حکومتی افزایش سطح آگاهی های عمومی است. تحقق این مقدمه نیازمند حضور همه فعالان و نخبگان جامعه در جهت بصیرت بخشی به مردم است. یکی دیگر از مقدمات تشکیل حکومت، حضور حداکثری مردم در تمام مراحل مبارزه با حکومت های طاغوت است. در جهت تحقق مقدماتی مانند موارد فوق که اجرای احکام الهی در جامعه را در پی دارد؛ بر همه مردم واجب است که تا حد توان خود در این راه قدم بردارند. بنابر این فراهم نمودن شرایط و کسب آمادگی در راستای تشکیل حکومت اسلامی به وسیله مردم به عنوان یکی از ارکان این امر که بدون حضور آنان حکومتی تشکیل نمی گردد، خود مقدمه عقلی اجرای احکام الهی است و از باب «مقدمه الواجب واجبه» این وجوب بر عهده امت قرار می گیرد و مردم در صورت کوتاهی در کسب شرایط و فراهم نمودن مقدمات تشکیل حکومت در برابر خداوند متعال مسئول خواهند بود. مگر در صورتی که افراد توانایی تحقق این امر را

نداشته باشند. همچنین اگر فقیه جامع الشرایط اعلام آمادگی نماید و مردم در حد توان خود مقدمات اعمال ولایت فقیه را در حدود جزئی و خاصی که امکان آن وجود دارد، فراهم نکنند، مستوجب عقاب خواهند بود.^(۲۵)

بنابر این از آنجا که تشکیل حکومت اسلامی بسته به پذیرش و حضور مردم قابلیت امکان می‌یابد، کسب آمادگی و فراهم نمودن مقدمات و حضور مردم نیز در جهت محقق نمودن خواسته شارع واجب خواهد بود. به عبارت دیگر از آنجا که تشکیل حکومت مقدمه‌ای برای انجام احکام اسلامی می‌باشد و حضور مردم یکی از ارکان تشکیل حکومت اسلامی است و بدون حضور آنان حکومتی شکل نمی‌گیرد برای آن که امر شارع مقدس به عرصه ظهور برسد تشکیل حکومت اسلامی بر همه مردم واجب است. باید توجه داشت از منظر وجوب و مستلزم عقاب بودن، هیچ تفاوتی میان وجوب نماز به عنوان امری فردی با تحقق مقدمات تشکیل حکومت به عنوان مطلوب اجتماعی شارع مقدس نیست مگر آن که نماز واجبی تعیینی^(۲۶) است و به هر فرد مسلمان واجب است که به تنهایی آن را محقق نماید در حالی که وجوب فراهم نمودن مقدمات تشکیل حکومت اسلامی واجب کفایی^(۲۷) است (جوان آراسته، ۱۳۸۹: ۱۸۱). به این معنا که آنچه مطلوب نظر شارع مقدس می‌باشد تحقق عمل در عالم خارج است. از این نظر بر همه مکلفین واجب است تا در جهت خواسته شارع اقدام نمایند این در حالی است که اگر عده‌ای از مسلمانان در حد کفایت در این مسیر حرکت نمایند و امر واجب را انجام دهند این تکلیف از سایر مکلفین ساقط می‌گردد. بنابراین در صورتی که تعدادی از امت اسلامی در مسیر تحقق مقدمات تشکیل حکومت گام بردارند و حرکت آنها برای تشکیل حکومت کفایت نماید هرچند شایسته خواهد بود سایرین نیز به آنها کمک رسانی داشته باشند، اما این عمل دیگر واجب و الزامی نخواهد بود اما در غیر این صورت همه مکلفین ملزم به اقدام در این جهت بوده و در برابر خداوند متعال مسئول و سزاوار عقاب می‌باشند.

نتیجه‌گیری

تشکیل حکومت اسلامی نیازمند دو رکن مشروعیت الهی و حضور مردم است و تشکیل حکومت بدون حضور مردم غیر ممکن به نظر می‌رسد. از طرفی دین مبین اسلام دارای احکام مختلفی است که تحقق آنها نیازمند تشکیل حکومتی با مختصات اسلامی می‌باشد. احکام اجتماعی اسلام مانند احکام جزایی، مالی، نظامی و ممنوعیت رجوع به حکومت طاغوت و اطاعت از آن نشانگر مطلوبیت و الزامی بودن تشکیل نظام اسلامی از دیدگاه اسلام است. این حکم الزامی به علت دلایلی همچون قاعده اشتراک در تکلیف، در همه دوره‌ها و بر همه افراد واجب می‌باشد. بنابر این جهت اجرای این حکم الزامی الهی و تشکیل حکومت اسلامی، حضور مردم و کسب شرایط لازم و آماده‌سازی مقدمات از باب مقدمه واجب در ذیل حکم وجوب تشکیل حکومت قرار می‌گیرد و بر همه افراد جامعه اسلامی واجب است تا حد امکان موجبات ایجاد نظام اسلامی را فراهم آورند و تا هنگامی که مقدمات تشکیل حکومت فراهم نگردد همه امت مسئول خواهند بود. هرچند این وجوب کفایی است و اگر مردم تا حد کفایت برای تشکیل حکومت اقدام نمایند ذمه سایرین نیز بری خواهد شد و مشارکت بیشتر آنها در حد امری مستحب خواهد بود. بر این اساس که مؤیدات تاریخی آن در سیره ائمه معصومین هم قابل ملاحظه است تشکیل حکومت اسلامی ابتدا نیازمند فراهم نمودن مقدمات و کسب آمادگی‌های لازم به وسیله مردم است.

یادداشت‌ها

۱- ر.ک:

- امام خمینی خمینی، سید روح‌الله موسوی، ولایت فقیه (امام خمینی)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، ۱۴۲۳ق، صص ۲۵-۳۱.

- ر.ک: عمید زنجانی، عباس علی عمید، فقه سیاسی (عمید)، ۳ جلد، ۲، انتشارات امیر کبیر، ۱۴۲۱ق، صص ۱۷۲-۱۵۲.

- منتظری نجف‌آبادی، حسینعلی، مترجم: صلواتی، محمود و شکوری، ابوال، مبانی فقهی حکومت اسلامی، ۸ جلد، مترجم: صلواتی، محمود و شکوری، ابوالفضل، مؤسسه کیهان، قم - ایران، اول، ۱۴۰۹ق، صص ۳۳۳-۱۸۱.

۲- برای مطالعه بیشتر ر.ک:

- ارسطو، السیاسه، ارسطو، ترجمه: احمد لطفی، ص ۱۲۶.

- الجمهوریه: حمید عنایت، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۱، ص ۲۶.

- عبدالرحمن خلدون، مقدمه ابن خلدون، ص ۴۱، محمد پروین گنابادی، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۸، ص ۴۱.

- حکومت در اسلام و...، سیدمحمدحسین بهشتی، بی تا، ص ۴۵.

- طباطبایی سیدمحمدحسین، روابط اجتماعی در اسلام، سیدمحمد حسین دفتر تنظیم و نشر آثار علامه طباطبایی، ۱۳۸۴، ص ۲۰.

- منتظری نجف‌آبادی، حسینعلی، مترجم: صلواتی، محمود و شکوری، ابوال، مبانی فقهی حکومت اسلامی، ۸ جلد، ج ۱، مترجم: صلواتی، محمود و شکوری، ابوالفضل، مؤسسه کیهان، قم - ایران، اول، ۱۴۰۹ق، ص ۲۹۰ به بعد.

۳- لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ (حدید/۲۵).

۴- يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ (اعراف/۱۵۷).

۵- أَنْ عَبَّدْتَ بَنِي إِسْرَائِيلَ (شعرا/۲۲).

۶- وَ تَرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ (قصص/۵).

۷- وَ أَنْ احْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ (مائده/۴۹).

۸- وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ (انعام/۵۹).

- ۹- وسایل الشیعه، ج ۱۹، ص ۲۷۲، به نقل از عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی (عمید)، ۳ جلد، انتشارات امیر کبیر، تهران - ایران، چهارم، ۱۴۲۱ق.
- ۱۰- إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ (مائده/۳۳).
- ۱۱- وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (مائده/۳۸).
- ۱۲- الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَيَشْهَدُ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (نور/۲).
- ۱۳- وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَىٰ فَقاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّىٰ تَفِيءَ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ (حجرات/۹).
- ۱۴- ر.ک: موسوی خلخالی، سیدمحمد مهدی، مترجم، جعفر الهادی، حاکمیت در اسلام یا ولایت فقیه، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۲۲ق، ص ۳۶۹.
- ۱۵- وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا.
- ۱۶- طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الإمامیه، ۸ جلد، المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، ۱۳۸۷ق.
- ۱۷- طبرسی، امین الاسلام، فضل بن حسن، المؤتلف من المختلف بین أئمة السلف، ۲ جلد، مجمع البحوث الإسلامية، ۱۴۱۰ق.
- ۱۸- حلی، ابن ادریس، محمد بن منصور بن احمد، السرائر الحاوی لتحرير الفتاوى، ۳ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۰ق.
- ۱۹- بدان که فقهاء استدلال کرده اند باین آیت بر عدم صحت بیع بنده مسلمان به کافر و بر وجوب بیع بنده مسلمان بر مالک کافر او و بر وجوب بیع او بر حاکم شرع قهرا اگر مالک او کافر امتناع نماید از فروختن او و بر نظایر این احکام چنانکه در کتب فقه به تفصیل مذکور است و وجه استدلال ظاهر است از جهت دلیل و برهان یعنی ایدا خدا قرار نداده است مر کافران را حجتی بر ضرر مسلمانان تا این که با برهان مغلوب شوند بلکه حق از جهت وجود برهان ساطع همیشه غالب بر باطل است (آیات الأحکام حسینی جرجانی سید امیر ابوالفتح انتشارات نوید، ۱۴۰۴ق، ص ۱۵۰).

۲۰- لَيْلًا يَكُونُ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا (نسا/۱۶۵).

۲۱- فقها برای اثبات این قاعده فقهی به ادله مختلفی استناد نموده‌اند. برای نمونه می‌توان به روایت مشهور «حلالٌ محمدٌ حلالٌ إلى يوم القيامة، و حرامه حرامٌ إلى يوم القيامة» (محمد ابن محمد الکافی، ۱۴۲۹، ص ۱۷) استناد نمود. دلالت این روایت نیز بر آن اختصاص می‌یابد که حلال محمد همان حلال خداست و این فقط مخصوص حلال و حرام نیست و شامل همه احکام الهی می‌شود و این احکام شامل همه افراد می‌گردد مگر آن که دلیل خاصی برای خروج آنها از شمول عده‌ای مکلفین وجود داشته باشد (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۳، ص ۳۰۶) مانند حکم حرمت پوشیدن لباس طلا و ابریشم در نماز برای مردان که زنان به علت خاصی از شمول این حکم خارج گردیده‌اند.

۲۲- آن عملی که تحقق واجب بدون آن ممکن نیست؛ مقدمه واجب نام دارد. مقدمات اعمال واجب از ابعاد مختلفی قابل تقسیم‌بندی است که یکی از این تقسیم‌بندی‌ها، تقسیم به مقدمه واجب و مقدمه وجوب است. در مقدمه وجوب، وجوب عمل متوقف بر تحقق مقدمات است به عبارت دیگر تا هنگامی که مقدمات محقق نگردد وجوبی بر ذمه فرد قرار نمی‌گیرد مانند استطاعت نسبت به حج. وجوب حج زمانی بر عهده مسلمان است که استطاعت به عنوان مقدمه واجب حاصل گردد. در مقابل این مفهوم؛ مقدمه واجب قرار دارد به این معنا که وجوب عمل بر ذمه فرد مسلمان ثابت گردیده اما تحقق خارجی مطلوب شارع نیازمند فراهم نمودن مقدماتی می‌باشد. در مقدمه واجب، وجوب عمل متوقف بر مقدمات نیست بلکه برمکلف واجب است که مقدمات را فراهم نماید. برای مثال یکی از اوامر شارع مقدس امر به اقامه نماز با لباس پاک است. به عبارت دیگر کسب طهارت یکی از مقدمات پذیرش و مقبولیت نماز است اما وجوب نماز متوقف بر کسب طهارت نیست و با داخل شدن در وقت نماز بر ذمه فرد قرار می‌گیرد. این در صورتی است که برای بری الذمه شدن نسبت به امر شارع فرد مسلمان باید طهارت را که مقدمه نماز است کسب نماید.

۲۳- ر.ک:

- نائینی، محمد حسین، فوائد الأصول، ج ۴، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۶، صص ۱۳۹ به بعد.

- آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین، کفایة الأصول، ج ۱، موسسه آل البیت علیهم السلام، ۱۴۰۹ق، صص ۱۳۹ به بعد.

- عراقی، ضیاء الدین، بدائع الافکار فی الأصول، ج ۱، المطبعة العلمية، ۱۳۷۰ق، صص ۳۱۰ به بعد.

- ولایی، عیسی، فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول، ج ۱، نشر نی، ۱۳۸۷، صص ۳۱۰ به بعد.

۲۴- تقریر مصاحبه علمی با حجت الاسلام سیدمحمدباقر طباطبائی نژاد، ۱/۴/۱۳۹۲.

۲۵- در اصطلاح، عمل واجب آن عملی است خداوند به آن امر فرموده به طوری که در بجا آورد نش ثواب و در ترکش وعده عذاب داده باشد (دستغیب، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۱۸۹).

۲۶- وجوب تعیینی: وجوب متعلق به فعل مشخص و بدون جایگزین در عرض آن وجوب تعیینی، مقابل وجوب تخییری، وجوبی است که مطلوب آن معین بوده و چیز دیگری که در عرض آن باشد و بتواند جانشین آن گردد، وجود ندارد، مثل: وجوب نمازهای روزانه. در کتاب «الاصول العامة للفقهاء المقارن» آمده است: «الوجوب التعیني و یراد به الوجوب الذی یتعلق بفعل بعینه، و لا یرخص فی ترکه الی بدل» (مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، فرهنگ‌نامه اصول فقه، قم: چاپ اول، ۱۳۸۹، ص ۸۸۲).

۲۷- وجوب کفائی: وجوب کفائی، مقابل وجوب عینی، وجوبی است که به عموم مکلفین تعلق گرفته است، اما اگر عده‌ای بر انجام آن اقدام کنند از بقیه ساقط می‌شود؛ برای مثال، نجات انسان غریق، بر همه حاضران در صحنه واجب است، اما اقدام یکی از آنها، تکلیف را از دیگران ساقط می‌کند. (مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، فرهنگ‌نامه اصول فقه، قم: چاپ اول، ۱۳۸۹، ص ۸۸۴).

منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم
۲. آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین، کفایة الأصول، ج ۱، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۹ق.
۳. ارسطو (۱۳۸۱)، السياسة، ترجمه حمید عنایت، علمی و فرهنگی.
۴. بهاء الدین عاملی، جامع عباسی، تهران، فراهانی، [بی تا].
۵. تقریر مصاحبه علمی با حجت الاسلام سید محمد باقر طباطبایی نژاد، ۱۳۹۲/۴/۱.
۶. جعفر الهادی (۱۴۲۲ق)، حاکمیت در اسلام یا ولایت فقیه، مترجم: موسوی خلخالی، سید محمد مهدی، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۷. جعفر بن حسن (حلی) (۱۴۱۲ق)، نکت النهایة، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۸. جوان آراسته، حسین (۱۳۸۹)، مبانی حکومت اسلامی، بوستان کتاب.
۹. حسن بن یوسف بن مطهر (علامه حلی) (۱۴۱۱ق)، کشف الیقین فی فضائل امیر المؤمنین علیه السلام، وزارت ارشاد، ص ۲۹۹.
۱۰. حیدری، محسن (۱۴۲۴ق)، ولایة الفقیه تأریخها و مبانیها، دار الولاء للطباعة و النشر و التوزیع.
۱۱. حسینی جرجانی، سید امیر ابوالفتوح (۱۴۰۴ق)، آیات الأحکام، انتشارات نوید.
۱۲. حکیم، سید محمد تقی (۱۹۷۹م)، الأصول العامة للفقہ المقارن، ج ۱، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، للطباعة والنشر الطبعة الثانية آب (اغسطس).
۱۳. خزاز رازی، علی بن محمد (۱۴۰۱ق)، کفایة الأثر فی النصّ علی الأئمة الإثنی عشر، بیدار.
۱۴. خمینی، سید روح الله موسوی، (۱۳۶۹)، صحیفه نور، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
۱۵. خمینی، سید روح الله موسوی، (۱۴۲۶ق)، توضیح المسائل، [بی جا].

۱۶. خمینی، سید روح الله موسوی (۱۴۲۳ق)، ولایت فقیه (امام خمینی)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره.
۱۷. دستغیب، عبدالحسین (۱۳۹۱)، گناهان کبیره، ج ۲، نشر ناس.
۱۸. رحمانی حسین (تابستان ۱۳۸۲)، قاعده نفی سیل از منظر فریقین، پایگاه حوزه، صص ۲۸-۲.
۱۹. شیخ مفید (۱۴۱۰ق)، المقنعه، موسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین.
۲۰. شیروانی، علی؛ غرویان، محسن (۱۳۸۳)، ترجمه اصول استنباط، ج ۱، دار الفکر.
۲۱. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۴)، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۵، ترجمه موسوی همدانی سید محمد باقر دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۲. طباطبایی سید محمدحسین (۱۳۸۴)، روابط اجتماعی در اسلام، دفتر تنظیم و نشر آثار علامه طباطبایی.
۲۳. طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم (۱۴۱۳ق)، دلائل الإمامة، بعثت.
۲۴. عبدالرحمن خلدون (۱۳۸۸)، مقدمه ابن خلدون، محمد پروین گنابادی، علمی و فرهنگی.
۲۵. عبدالله جوادی آملی (۱۳۹۱)، جامعه در قرآن، اسراء.
۲۶. عراقی، ضیاءالدین (۱۳۷۰ق)، بدائع الافکار فی الأصول، ج ۱، المطبعة العلمية.
۲۷. عماد الدین حسن بن علی طبری (۱۳۷۹)، مناقب الطاهرین، ج ۲، سازمان چاپ و انتشارات.
۲۸. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۴۲۱ق)، فقه سیاسی، انتشارات امیر کبیر.
۲۹. عمید زنجانی (۱۳۸۹)، قواعد فقه حقوق عمومی، انتشارات سمت.
۳۰. فاضل موحّدی لنکرانی، محمد (۱۳۸۳)، القواعد الفقهیة، مرکز فقه الاثمه الاطهار علیهم السلام.
۳۱. فضل بن حسن (طبرسی) (۱۴۱۰ق)، المؤتلف من المختلف بین أئمة السلف، مجمع البحوث الإسلامية.
۳۲. قمی، علی بن بابویه، مجموعه فتاوی ابن بابویه، [بی جا]، [بی تا].
۳۳. کعبی، عباس، شرح فقهی قانون اساسی، (اصل اول)، گزارش مرکز تحقیقات شورای نگهبان، شماره ۱۳۹۲۰۰۲.

۳۴. کعبی، عباس (۱۳۹۲)، تقریرات درس خارج فقه حقوق اساسی و نهادهای سیاسی.
۳۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، کافی، دار الکتب الإسلامية.
۳۶. مجله فقه اهل بیت علیهم السلام؛ ج ۳۷، ص ۱۱۶.
۳۷. محمد ابن احمد (ابن ادریس)، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی (و المستطرفات)، جلد ۲، موسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین، بی‌تا.
۳۸. محمد ابن حسن (شیخ طوسی) (۱۴۱۱ق)، کتاب الغیبه، دار المعارف الإسلامية.
۳۹. محمد ابن محمد الکافی (۱۴۲۹ق)، اصول کافی، ج ۲، نشر دار الحدیث.
۴۰. محمد ابن مکی (شهید اول) (۱۴۰۴ق)، الدروس الشرعیة فی فقه الإمامیة، جلد ۱، انتشارات اسلامی.
۴۱. محمد بن حسن (حرّ عاملی) (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعة، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۴۲. محمد بن حسن (طوسی) (۱۳۸۷ق)، المبسوط فی فقه الإمامیة، المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة.
۴۳. محمد بن حسین (شریف الرضی) (۱۳۸۶)، نهج البلاغه، ترجمه حسین انصاریان، پیام آزادی.
۴۴. محمد بن منصور بن احمد (ابن ادریس) (۱۴۱۰ق)، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴۵. مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی (۱۳۸۹)، فرهنگ نامه اصول فقه، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، معاونت پژوهشی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۴۶. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، دار الکتب الإسلامية.
۴۷. منتظری نجف آبادی، حسین علی (۱۴۰۹ق)، مبانی فقهی حکومت اسلامی، مترجم صلواتی محمود و شکوری ابوالفضل، مؤسسه کیهان.
۴۸. نائینی، محمدحسین (۱۳۷۶)، فوائد الأصول، ج ۴، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴۹. ورعی سیدجواد (۱۳۸۱)، حقوق و وظایف شهروندان و دولتمردان، مرکز تحقیقات علمی دبیرخانه مجلس خبرگان.
۵۰. ولایی، عیسی (۱۳۸۷)، فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول، ج ۱، نشر نی.

امام خمینی (ره):

و از شورای محترم نگهبان می‌خواهم و توصیه می‌کنم، چه در نسل حاضر و
چه در نسل های آینده که با کمال دقت و قدرت و طایف اسلامی و ملی خود
را ایضا و تحت تاثیر هیچ قدرتی واقع نشوند و از قوانین مخالف با شرع مطهر و
قانون اساسی بدون هیچ ملاحظه ای جلوگیری نمایند.

(صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۲۲)



مرکز تحقیقات شورای نگهبان

آدرس: تهران، خیابان شهید سپهبد
قرنی، کوچه خسرو، پلاک ۱۲
صندوق پستی: ۱۴۶۳ - ۱۳۱۴۵
تلفکس: ۰۲۱ - ۸۸۳۲۵۰۴۵
info@shora-rc.ir
www.shora-rc.ir